

نظری به منیة الرّجال

محمد صحتی سردرودی

محمدحسن کاشف الغطاء، نویسنده انوار الفقاهه، محمدحسن نجفی، صاحب جواهر الکلام، و محمدحسین اصفهانی حائری، صاحب فصول، بهره برد و دانش آموخت. وی به سال ۱۲۷۷ ق در بروجرد چشم از جهان فرو بست.^۱

ایشان در مقدمه نخبه المقال، خود را چنین معرفی کرده است:

ناظم الافقر فی الکونین

هو الحسین بن رضا الحسینی^۲

و در باب حاء نیز، پس از یادکردی از صاحب فصول،

چنین سروده است:

اخو التّقی قدوة الفحول

مصنف الفصول فی الاصول

و ابن الرضا مصنف الکتاب

ارشده الله الی الصواب

و مولدی اخیر من شوال

فاختم لی اللهم بالکمال^۳

و آنجا که از محمدحسن کاشف الغطاء نام برده، به

۱. سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی، منیة الرجال فی شرح نخبه المقال، در ذیل نخبه المقال، ۱/ مقدمه.

۲. سید حسین بروجردی، نخبه المقال فی علم الرجال، ۱/ ۶.

۳. همان، ۱/ ۱۱۴.

الجزء الاول من کتاب



« فی علم الرجال »

وفی ذیل

کتاب منیة الرجال فی شرح نخبه المقال

لفضيلة العلامة فی العلوم نابغة العصر خادم الکتاب

والسنة آية الله فی الوری الی المعالی السید شهاب

الدين الحسینی المرعشی النجفی متع الباری

الانام بفضائله الجمّة

من منشورات مکتبة حق بین

« (حق الطبع محفوظ) »

طبع فی مطبعة پیروز

سید حسین بروجردی، از دانشوران دینی سده سیزدهم،

و صاحب نخبه المقال فی علم الرجال است. او در ۲۳ شوال

۱۲۲۸ تولد یافت. در حوزه بروجرد و کربلا و نجف اشرف

از درسهای سید شفیع جابلقی، سید جعفر کشفی دارابی،

شاگردی خویش تصریح کرده است:

و شیخنا ابن‌الشیخ جعفر حسن
منه استفدنا برهة من الزمن^۱

سید حسین بروجردی را آثار چندی است: تفسیر قرآن، به صورت مفصل و گسترده، با نام الصراط المستقیم^۲؛ تعلیقه بر تفسیر قاضی بیضاوی؛ تعلیقه بر قواعد استادش سید محمد شفیع جابلقی، در اصول؛ المستطرفات فی النسب واللقاب والکنی؛ دیوان؛ مقباس الدراية فی احکام الولاية؛ نخبه المقال، که تراجم‌نویسان آن را شاهکار علمی - هنری وی می‌دانند.^۳

نخبه المقال منظومه‌ای است در ۱۳۱۳ بیت، و سهل ممتنع. این کتاب در موضوع خود بی‌نظیر، و همانند و هموزن الفیه ابن‌مالک در نحو، و منظومه سید بحر العلوم در فقه است؛ و با حفظ کردن آن می‌توان یک دوره علم رجال شیعه را به خاطر سپرد و از آرای ناظم درباره مدح و قدح رجال، اجتهاد و استنباط وی در توثیق و تضعیف راویان و ... سود برد.

مهمترین ویژگی نخبه‌المقال آن است که یادگیری علم رجال را آسان کرده است. انگیزه ناظم نیز در سرودن این اثر همین بوده است؛ چنان که در مقدمه منظومه‌اش به آن تصریح کرده است:

اوردت فیها حال من قد ذکرنا
بمدح او قدح كما قد عبرنا
مرتباً بأحسن الترتیب
مهذباً نهایة التهذیب
ثم بهذا النظم قد تیسرا
حفظ الرجال بعد ما تعسرا^۴

ناظم اسمای رجال را به ترتیب الفبا آورده، و مطالب مربوط به هر کس را در ذیل نامش بیان کرده است. منظومه نخبه المقال به روایتگران از معصوم علیه السلام منحصر نمی‌شود، که شاعران و مادحان متقدم شیعی و برخی دانشوران معاصر ناظم را نیز در برمی‌گیرد. مثلاً درباره سید حمیری، شاعر سده دوم هجری، گفته است:

و الحمیری شاعر جلیل
«صه» ثقة معظم نبیل
جاء الی «قر» بعد ما تکیسا
و عاد بداراً وجهه حیث عسی^۵

مرادش از «صه»، خلاصه الاقوال علامه حلی، و از «قر»، امام باقر علیه السلام است. در سراسر نخبه‌المقال از حروف رمز استفاده شده، که سراینده در مقدمه آنها را توضیح داده است. این اثر ماندگار از همان ابتدا مورد توجه بزرگان بوده است، و برخی از دانشوران شیعی در تکمیل آن کوشیده‌اند؛ از جمله: ۱. ملا علی‌علیاری تبریزی؛ ۲. محمدحسن علیاری تبریزی؛ ۳. آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی.

۱. ملا علی‌علیاری تبریزی (م ۱۳۲۷ ق)

ایشان، که متولد سردرود تبریز بود، نخست منظومه‌ای را با نام منتهی الآمال در تکمیل نخبه‌المقال سرود. سپس هر دو منظومه (اصل و تکمله) را با نام بهجة الآمال شرح کرد، که در هفت جلد و با مقدمه آیت‌الله مرعشی نجفی به اسم غایة الآمال فی ترجمة صاحب بهجة الآمال منتشر شده است.

۲. محمدحسن علیاری تبریزی

ایشان فرزند علامه علیاری، و دانشوری صاحب‌رأی و فقیه بود، و شرح پدرش (بهجة الآمال) را تلخیص کرد و آن را مختصر‌المقال نامید.^۶

۳. آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی

شرح ایشان از جامعیت و ویژه‌ای برخوردار است؛ چرا که آیت‌الله مرعشی نجفی (ره) فقیهی ذوفنون بود. از این‌رو،

۱. همان، ص ۸۸.

۲. آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی (ره) در مقدمه نخبه‌المقال از این اثر چنین یاد می‌کند: «تفسیر کبیر خرج بعض مجلداته.»

۳. منیة الرجال، ۱/ مقدمه؛ دانشنامه جهان اسلام، ۳/۲۵۴؛ دائرةالمعارف تشیع، ۳/۱۹۶. گفتنی است که دو منبع اخیر، برخلاف منیة الرجال که تاریخ تولد ناظم نخبه‌المقال را ۱۲۲۸ می‌داند، ۱۲۳۸ نوشته‌اند. شاید هم در موقع حروفچینی منیة الرجال اشتباه شده باشد؛ چرا که اغلاط چاپی در آن فراوان دیده می‌شود.

۴. سید حسین بروجردی، نخبه‌المقال، ۲/۱، ۶.

۵. همان، ص ۴۴.

۶. دانشنامه جهان اسلام، ۳/۲۵۴؛ دائرةالمعارف تشیع، ۳/۵۲۳.

«هو اسماعیل، ابن الامام الصادق علیه السلام. مات فی حیاة ایه، و دفن بالبقیع. ابنه محمد بن اسماعیل، و الیه یتنهی نسب الخلفاء الفاطمیین بمصر، ... و قد ذکرنا اعقابہ فی کتاب المشجرات؛ فلیراجع»^۴

درباره تاریخ شهر قم نیز اشاراتی مفید و راهگشا در مینة الرجال دیده می‌شود که پژوهشگران در تاریخ و فرهنگ قم را به کار می‌آید.^۵

با مراجعه به مینة الرجال، می‌توان زندگینامه‌ای مختصر و مفید درباره آیت‌الله مرعشی نجفی، با استفاده از نوشته‌های خودش، تألیف کرد. ایشان درباره پدرش می‌نویسد: مولای الاستاذ آية‌الله الوالد العلامة السيد شمس‌الدین محمود الحسینی المرعشی،^۶ در سال ۱۳۳۸ ق وفات یافت؛ و از مشایخ و اساتید وی، علامه ادیب میرزا محمدرضا تبریزی معروف به قراجه‌داغی^۷، علامه الآیه سید ریحان‌الله آل‌کشفی^۸ و سید محمد مهدی عاملی^۹ را نام می‌برد، و از آثارش رساله فی تراجم آل‌طاووس را برمی‌شمارد، که مانند مقدمه، همراه کتاب مهج الدعوات، در زمان ولایت عهدی محمدعلی قاجار، در تبریز چاپ شده است.^{۱۰}

آیت‌الله مرعشی در جای جای شرح خویش بر نخبه‌المقال، برای احتراز از اطناب، بسیاری از مطالب را به اختصار می‌نویسد، و برای تفصیل، به بعضی از آثار پربار و گرانبهای خویش ارجاع می‌دهد، که عبارت‌اند از:

۱. تعلیقه بر عمدة الطالب.^{۱۱}

۱. مینة الرجال، ۹/۱.
۲. همان، ص ۱۱۸.
۳. همان، ص ۲۶.
۴. همان، ص ۴۱.
۵. همان، ص ۱۵، ۳۰ - ۳۱، ۷۳.
۶. همان، ص ۳۴، ۶۵، ۱۴۰، ۱۶۲.
۸. همان، ص ۴۶. تصریح می‌کند که پدرش پیش وی علوم ادبی را آموخته بود.
۹. همان، ص ۶۵.
۱۰. همان، ص ۱۴۰.
۱۱. همان، ص ۳۴، ۱۶۱ - ۱۶۲.

شرحش بر نخبه‌المقال از بسیاری جهات حایز اهمیت است. جز مباحث رجال، که موضوع کتاب است، مباحث مفیدی چون کتابشناسی، حدیث‌شناسی، انساب، واژه‌شناسی، تاریخ و تراجم فراوان در آن دیده می‌شود. مثلاً درباره کتاب سلیم بن قیس هلالی می‌نویسد:

«حق این است که کتاب دارای اعتبار است؛ همچنان که اهل فن بر این عقیده‌اند. و به تحقیق در حق آن روایت شده است که: آنه ابجد الشیعة و انّ من لم یقف علیه، لم یعرف من امرهم علیهم السلام ماکان»^۱

درباره کتاب ابو عبدالله حسین بن غضائری نیز سخنان ارزنده و آموزنده‌ای می‌نویسد:

«او را در رجال کتابهایی است که بخشی از کتاب وی درباره ضعفاء پیش ما موجود است. ولکن پژوهشگران در این تخصص (علم رجال) به تضعیفهای او اعتناء نکرده‌اند؛ و در مثل می‌گویند قدح فلان بن فلان مانند تضعیف ابن غضائری در رجال، و ابن المرتضی در انساب است؛ یعنی در طعن اشخاص عجله می‌کند؛ اعاذنا الله منه. به باور من نیز حق با آنان است که به تضعیفهای ابن غضائری اعتناء نمی‌کنند؛ همان‌طوری که ما هم در روزگارمان بعضی از مؤلفان در تراجم را می‌بینیم که در طعنه‌زدن به بندگان خدا شتاب می‌ورزند و عرض و آبروی آنها را هتک می‌کنند، و آنچه آنها را در میان مردم خوار می‌کند، بدون اندیشه، و شتاب آلود می‌نویسند؛ عاملهم الله بسوء ضنینهم هذا ما یستحقون. آمین آمین! به این ترتیب، چگونه می‌توان به این تضعیفها در حق رجال، به ویژه در حق معاصران این قبیل مؤلفان، اطمینان پیدا کرد؟!»^۲

و به مناسبتی، از علامه محمدباقر مجلسی یاد می‌کند و با تکریم فراوان چنین می‌نویسد:

«مولینا خادم علوم الائمة مولینا العلامة المجلسی رزقنا الله شفاعته فی المحشر»^۳

آیت‌الله مرعشی نجفی (ره) در علم انساب ید طولایی داشت و یگانه مرد این میدان در روزگار معاصر، و شهره آفاق بود. از این رو، سخش می‌تواند فصل الخطاب باشد. ایشان در ذیل نام اسماعیل، درباره نسب خلفای فاطمی - که از دیرباز مورد مناقشه بوده است - با صراحت چنین می‌نویسد:

«از نسل وی دانشوران و سخنورانی بوده‌اند، که علامه معاصر، تاریخ نگار فاضل، قاضی محمد، مشهور به بهلول بهجت افندی، صاحب کتاب تاریخ آل محمد از آنهاست. این کتاب در باب خود یگانه و بی‌همتاست. نویسنده خود از این کتاب مرا خبر داد، آن‌گاه که در شهر همدان و تبریز با هم بودیم.»^{۱۶} متأسفانه مینة الرجال، چنان که باید و شاید، شناخته نشده است. دانشنامه جهان اسلام و دائرة المعارف تشیع، ذیل نام ناظم نخبه المقال، به صورت گذرا و کمرنگ از مینة الرجال یاد کرده‌اند، و به نظر می‌رسد که هر دو از الذریعه نقل کرده باشند، و خود اثر را - که شرحی است بر نخبه المقال - ندیده‌اند. از این رو، آن را تعلیقه نامیده‌اند.

امید این که کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی به انتشار آن اهتمام ورزد و پژوهشگران و دانشوران را از این گنج نهان و شایگان محروم نسازد؛ چرا که تنها جلد اول کتاب، که تا حرف ذال را در بر دارد، ۴۲ سال پیش در قم، به همت انتشارات حقین، چاپ شده، که چاپی در خور این کتاب و چشمنواز نیست.

۱. همان، ص ۱۱، ۳۴، ۶۹، ۱۲۱، ۱۴۱.

۲. همان، ص ۱۱، ۱۹، ۳۴، ۴۵، ۶۹، ۹۱، ۹۹، ۱۱۷، ۱۲۱، ۱۳۹، ۱۴۱.

۳. همان، ص ۱۵.

۴. همان، ص ۲۳، ۱۰۷، ۱۱۱. مقاله‌ای با عنوان «در سایه احقاق الحق»، از نگارنده این مقاله، در شماره ۱۱ شهاب به چاپ رسیده است.

۵. همان، ص ۲۳.

۶. همان، ص ۲۶.

۷. همان.

۸. همان، ص ۲۷، ۸۹.

۹. همان، ص ۳۴ - ۳۵.

۱۰. همان، ص ۶۳.

۱۱. همان، ص ۷۹، ۸۵، ۱۶۵.

۱۲. همان، ص ۱۶۵.

۱۳. همان، ص ۱۰۷ - ۱۰۸.

۱۴. همان، ص ۱۰۷.

۱۵. همان، ص ۱۶۵.

۱۶. همان، ص ۱۴۵ - ۱۴۶.

۲. مشجرات آل رسول الله الاکرم ﷺ.^۱

۳. تاریخ قم و مزاراته.^۲

۴. شرح و ملحقات احقاق الحق^۳، که تاکنون ۳۴ جلد از آن انتشار یافته است.

۵. تعلیقه و حواشی بر کتاب استادش، مامقانی، موسوم به مقباس الهدایة فی علم الدرایة.^۴

۶. تعلیقه بر رساله حضرت امام صادق ﷺ در جواب عبدالله نجاشی.^۵

۷. حاشیه بر مکاسب شیخ انصاری.^۶

۸. المسلسلات فی الاجازات.^۷

۹. مزارات العلویین.^۸

۱۰. مشجرات غیر العلویین.^۹

۱۱. طبقات النسائین. از عبارتهای آیت‌الله مرعشی معلوم می‌شود که این کتاب در چند جلد، و در موضوع خود بی‌همتاست.^{۱۰}

همچنین بعضی از مشایخ و استادان خودش را نام می‌برد، و بنابه اقتضای موضوع کتاب، آرای علامه مامقانی، نویسنده تنقیح المقال در رجال، و مقباس الهدایه را بیش از همه نقل می‌کند.^{۱۱} در ذیل نام ابوهاشم جعفری (داوود بن قاسم) از ایشان چنین یاد می‌کند:

«و لله درّ العلامة استاذنا فی الرجال و الفقه آية الله الحاج الشيخ عبدالله المامقانی حیث ازاح العلة فی ترجمته.»^{۱۲} و از مشایخ روایتی خود در کشور یمن، دانشور بلند پایه‌ای را با تکریم و تجلیل نام می‌برد، و می‌نویسد:

«العلامة الحبر فی الحديث و الفقه و الکلام و النسب، السيد علوی الصادقی النسب من آل الحداد السادة المعروفون هناك، صاحب کتاب القول الفصل فیما لبني هاشم من الفضل.»^{۱۳} و می‌افزاید که ما در ملحقات و تعلیقات احقاق الحق از آن کتاب بسیار نقل کرده‌ایم. سپس تصریح می‌کند که وی از مشایخ ما در اجازه است، و به هم اجازه داده‌ایم که از یکدیگر روایت کنیم، و به اصطلاح درایه، اجازه ما «مُدَبَّجَه» خوانده می‌شود.^{۱۴} در جایی نیز از استادش، آیت‌الله السید ابو محمد الحسن صدرالدین الکاظمی، نویسنده تأسیس الشیعة نام می‌برد.^{۱۵} همچنین ذیل اسم ابویوب انصاری، صحابی مشهور، می‌نویسد: